



قدس زندگی: آن‌هایی که واقعاً عاشق‌اند و دل‌هایشان برای امام حسین (ع) و کربلا می‌تپد، در این روزهای اربعینی فقط نمی‌نشینند به حسرت خوردن و آه کشیدن و خاطره‌بازی با خاطرات پیاده‌روی‌های سال‌های پیش. گزارش «فارس پلاس» را بخوانید تا ببینید منظورمان چیست.

وقتی کرونا حتی به هدیه بچه‌ها رحم نمی‌کند

اگر سر و کله این ویروس مزاحم پیدا نشده بود، حالا دیگر عروسک‌ها را آماده و بسته‌بندی کرده بودیم، سفره حضرت رقیه(س) باصفایمان را با حضور خانم‌های داوطلبی که از گوشه و کنار تهران در دست کردن عروسک‌ها به ما کمک کرده بودند، برگزار کرده بودیم و هر کدام از دوستان با تعدادی از عروسک‌ها به طرف مرز در حال حرکت بودند. اما حیف، این روزها کارمان شده یادآوری خاطرات سفرهای اربعینی سال‌های قبل و حسرت خوردن... برای «ایناس جمیلی» و دوستانش در گروه «کودکان اربعین» هم امسال، سال غربی است؛ خانم‌های هنرمندی که از حدود هفت سال پیش با درست کردن عروسک‌های زیبایی «وداد»، پایه‌گذار حرکت زیبایی برای قدرانی از میزبانان عراقی در مسیر پیاده‌روی اربعین شدند. از آن به بعد، آن‌ها نه تنها خودشان با دست پر به دیدار دخترهای کوچولو عراقی و باقی دخترکان حاضر در این مراسم پرشور می‌رفتند، بلکه گویی هم شدند برای دیگر گروه‌ها. گرچه این روزها برخلاف سال‌های قبل، شمارش معکوس اهالی گروه کودکان اربعین برای رسیدن به روز موعود، به جای رنگ شادی و نشاط و هیجان، رنگ غم و حسرت گرفته، اما همه این‌ها دلیل نمی‌شود دست روی دست بگذارند و کاری انجام ندهند. ایناس جمیلی می‌گوید: «کار ما هر سال درست بعد از پایان مراسم اربعین شروع می‌شد، با استفاده از کمک‌ها و نذری‌های مردم، وسایل مورد نیاز را تهیه می‌کردیم و آرام‌آرام تولید عروسک‌های جدید را شروع می‌کردیم. در طول سال، از گروه‌های مختلف جهادی سفارش می‌گرفتیم و از محل درآمدی که با فروش عروسک‌ها کسب می‌کردیم، دستمان برای ایام اربعین پرت می‌شد و هر سال تعداد بیشتری عروسک درست می‌کردیم و با خودمان به پیاده‌روی می‌بردیم. امسال اما با شرایط عجیب کرونایی و محدودیت‌هایی که وجود داشت، عملاً تمام فرصت‌ها را برای دور هم جمع شدن و تولید عروسک‌ها از دست دادیم. با این حال، کار را به صورت انفرادی و در خانه‌های خودمان پی گرفتیم... هرکس در خانه خودش به هر تعداد که می‌توانست عروسک درست می‌کرد و هدف همه‌مان هم این بود نگذاریم این حرکت فراموش شود. دلمان می‌خواست هر طور می‌توانیم عروسک‌های وداد را زنده نگه داریم تا سال آینده ان‌شاءالله دوباره آن‌ها را به مراسم پیاده‌روی ببریم و دل کودکان اربعینی را شاد کنیم. در این میان، یک اتفاق ویژه دل ما را به تحقق این هدف، گرم‌تر کرد. ماجرا از این قرار بود که به‌واسطه یک گروه جهادی که با خانواده شهدای مدافع حرم در ارتباط است، توفیق پیدا کردیم تعدادی از عروسک‌های وداد را - بعد از ضد عفونی و بسته‌بندی بهداشتی - به‌عنوان هدیه روز میلاد حضرت رقیه(س) تقدیم دختران عزیز این شهدای گرانقدر کنیم... البته فقط به فکر دختر خانم‌ها نبودیم... ما هر سال برای پسرهای کودک و خردسال‌ها هم در مسیر پیاده‌روی اربعین حضور دارند هم هدایایی آماده می‌کنیم. امسال با توجه به اینکه بچه‌ها در ایام کرونا مجبورند در خانه بمانند و به‌طور طبیعی کسلی می‌شوند، توپ‌های ۱۲ تکه نمدی درست کردیم و به پسران عزیز شهدای مدافع حرم تقدیم کردیم تا با خیال راحت بتوانند در خانه بازی کنند و شاداب باشند...». عضو دیگری از گروه می‌گوید: «در همین فضای غم و حسرت هم به لطف خدا، درهای جدیدی از برکات به روی ما و گروه‌ها باز شده است. در این ایام که هر کدام داریم در خانه‌هایمان عروسک درست می‌کنیم تا در روز اربعین در هر جایی که امکانش فراهم شود (در اماکن مذهبی، فضاهای برگزاری مراسم عزاداری و...) به دخترهای کوچولو هدیه بدهیم، اتفاق خوبی دیگری برایشان رقم خورد. خوشبختانه شرایطی فراهم شد که به لطف دریافت سفارش‌های جدید، توانستیم بخشی از کار دوخت عروسک‌ها را به چند بانوی سرپرست خانوار شناسایی شده واگذار کنیم. به این ترتیب، این عزیزان هم در تولید عروسک‌های اربعینی سهیم شدند و هم درآمدی هرچند کم برای اداره مخارج زندگی بدست آوردند. بنا داریم این رویه را در ادامه این مسیر هم حفظ کنیم. می‌دانید، این اتفاق شیرین که گره کوچکی از زندگی این بانوان عزیز باز کرد، موجب شد در این روزهای دلتنگی دلمان کمی آرام بگیرد و از غم و غم‌مان کم شود...».

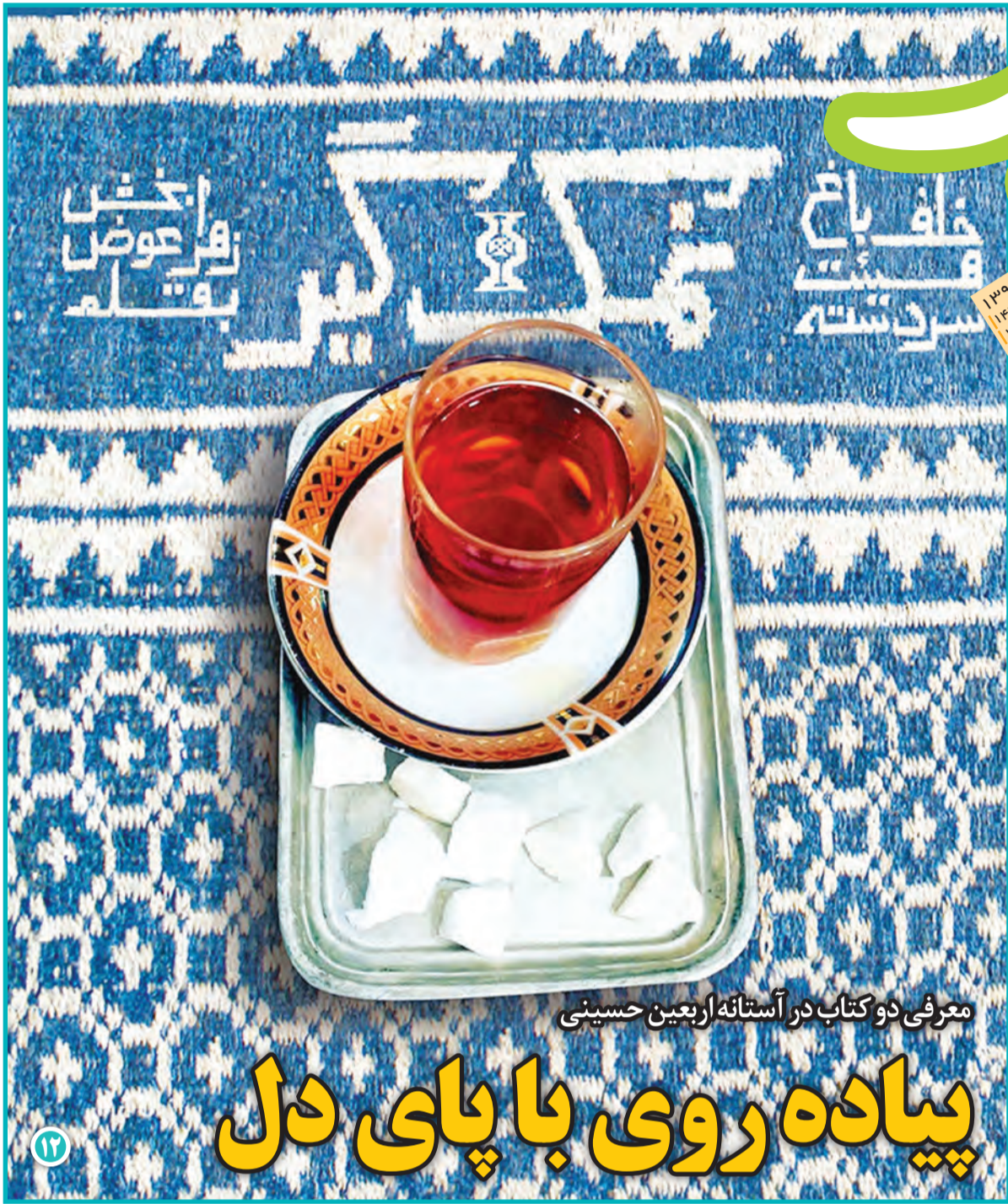
عزم خانم‌های هنرمند و عاشق گروه کودکان اربعین هم برای انجام کارهای خیر و عام‌المنفعه، حساسی جزم است و قصد ندارند در این مسیر به کم قانع باشند و می‌گویند: «ما همیشه برای کارهای عام‌المنفعه آماده‌ایم. اخیراً گروه جهادی «حنیفا» که در مناطق محروم کردستان، یاسوج و کلات نادری فعالیت دارند، از ما خواست‌اند برای کارگاه توانمندسازی دختران این مناطق، برایشان مربی عروسک‌سازی بفرستیم. ما هم از این پیشنهاد استقبال کردیم. برایشان بسیار خوشحال کننده است که نقشی در توانمندسازی این دختران عزیز و اشتغال آفرینی برای آن‌ها داشته باشیم.»



آن‌دسته از کاربران معمولی فضای مجازی که رویکرد



چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹
۱۴۴۲
۷ اکتبر ۲۰۲۰
شماره ۹۳۳۳۳
ZENDIG@QUDSONLINE.IR



معرفی دو کتاب در آستانه اربعین حسینی

پیاده روی با پای دل

گفت‌وگو با مسلم ناصری، نویسنده پُرکار کودک و نوجوان به بهانه آخرین اثرش

سه گانه «سورنا» در خط پایان



ورزش

دفاع نوازی از عملکرد آسیایی شهرخودرو

برای رحمتی خداحافظی شیکی بگیرند

نارضایتی سرمربی مشهدی از لقب «اکبر ضد فوتبال»

میثاقیان: برانکو از روی دست من نوشت



اعلام تاریخ شروع لیگ بدون نظرخواهی از سرمربیان عجیب است

چمنیان: لیست جدید تیم ملی ابهامات زیادی دارد

محمد امامی هم به جمع مختلسان هزار میلیاردی اضافه شد

سریال پولشویی با هنر نمایی «شهرزاد»!



محمد تربت‌زاده شانزدهم مهرماه ۱۳۹۵ بود که برای اولین بار خبر دستگیری محمد امامی منتشر شد. تا پیش از آن هرچند شایعه‌هایی به صورت جسته و گریخته درباره او در فضای مجازی منتشر شده بود، اما این شایعه‌ها صرفاً در حد و اندازه‌های حاشیه‌های همیشگی بودند که گریبان فعالان عرصه هنر را می‌گیرند. اگرچه محمد امامی مدتی بعد آزاد شد، ولی حاشیه‌ها همچنان ادامه داشتند تا اینکه این تهیه‌کننده بالاخره در سال ۹۷ به اتهام فساد مالی دستگیر شد، اما روند رسیدگی به پرونده‌اش، حدود دو سال به تأخیر افتاد تا اینکه روز گذشته دومین جلسه دادگاه او برگزار و اخبار مرتبط با آن خیلی زود سوزه اهالی فضای مجازی شد.

اتهام پولشویی

همان‌طور که احتمالاً می‌دانید، امامی یکی از سرمایه‌گذاران سینمایی ایران و همین‌طور شبکه نمایش خانگی بود که از همین روزهای اول انتشار سریال «شهرزاد» در شبکه نمایش خانگی، با اتهام پولشویی و اختلاس از صندوق ذخیره فرهنگیان مواجه شد. آن روزها سریال شهرزاد به لطف کیفیت‌های فنی و بازیگران مطرح حساسی در میان مردم گل کرده بود و کمتر کسی پیدا می‌شد که این سریال جنذاب را دنبال نکند. درحالی که شهرزاد یک تته آبروی شبکه نمایش خانگی که پیش از این با انبوهی از سریال‌های آیکی در میان مردم بی‌اعتبار شده بود را حفظ کرد، اما در کمال تعجب، برخی فعالان فضای مجازی شروع به راندن‌های کمپینی برای مبارزه با این سریال کردند و از مردم خواستند یک رمال هم برای خرید شهرزاد هزینه نکنند!

حرفه به شهرزاد

ماجرا احتمالاً از اظهارات امیر خجسته، رئیس کمیسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی مجلس آغاز شد. این نماینده مجلس در آن زمان گفته بود: «تخلفات محمد امامی در فراکسیون مبارزه با مفاسد مجلس مورد بررسی قرار گرفته و مواردی مربوط به پولشویی او اثبات شده که مجلس برای بررسی بیشتر، این موضوع را به دستگاه‌های نظارتی و قوهقضائیه ارجاع داده است.»

سلب‌ریتی‌ها وارد می‌شوند

با وجود همه این حواشی حالا و پس از گذشت حدود دو سال از دستگیری امامی، پرونده او و ماجرای اختلاس از صندوق ذخیره فرهنگیان و ارتباطش با بانک سرمایه وارد ابعاد جدیدی شده است. برخلاف تصور خیلی‌هایمان، پرونده فساد محمد امامی فقط به صندوق ذخیره فرهنگیان خلاصه نمی‌شود و طبق گفته رسول قهرمانی، نماینده دادستان ماجرا فراتر از این حرف‌هاست!

بر اساس آنچه نماینده دادستان در روز گذشته اعلام کرده، کل اقدام‌های مجرمانه در سه نهاد بانک سرمایه، صندوق ذخیره فرهنگیان و شرکت توسعه ساختمان اتفاق افتاده است. اعمال مجرمانه در محور بانک سرمایه هم شامل سه بخش دست‌کشی‌های شناسنامه‌دار امامی با اخذ تسهیلات به میزان ۱۳۵ میلیارد تومان، شرکت‌های بی‌ضاعتان با اخذ ۵۰۹ میلیارد تومان ضمانت‌نامه و شرکت‌های بی‌ضاعتان با

اخذ ۹۰ میلیارد تومان تسهیلات است. در اعمال مجرمانه در صندوق ذخیره فرهنگیان شامل ۱۱۲ میلیارد تومان تسهیلات است و در محور شرکت توسعه ساختمان هم سه رفتار مجرمانه اتفاق افتاده است؛ فروش املاک به شرکت عوامل سریال شهرزاد را ناچار به واکنش‌هایی کردند که از طرف افرادی مثل ترانه علی‌دوستی و رضا کیانیان صورت گرفت. به‌طور مثال در پاسخ به نادر فتوره‌چی که پرسیده بود «اگر کل ماجرای ارتباط سریال شهرزاد و عواملش با فساد ۸۷۰ میلیارد تومانی صندوق ذخیره فرهنگیان شایعه است، لطفاً شیوه تأمین «سرمایه اولیه» ساخت این مجموعه را تشریح کنید» و ادامه داده بود: «چرا ادعای رسانه‌ها شایعه است، اما ادعای ترانه علی‌دوستی شایعه نیست؟» ترانه علی‌دوستی پس از عادی‌داشتن دست‌مزدش برای بازی در این سریال گفت: «مبلغ ساخت این سریال ۱۴ میلیارد تومان بوده، ۲ میلیارد تومان بیشتر از سریال «شاهگوش» و ۹۸ میلیارد تومان کمتر از پروژه «محمد رسول‌الله» یا مبلغی تقریباً معادل فیلم توقیف‌شده «ستاخیز».

منتظر می‌مانیم

این اما پایان شگفتی‌های پرونده محمد امامی نبود. نماینده دادستان پس از این، از خروج پول‌های غارت شده از کشور خبر داد. بر اساس اعلام قهرمانی، تمام فعالیت‌های امامی در سینما و شبکه نمایش خانگی پوششی برای پولشویی و اختلاس بوده است! اما جالب است بدانید از این مبلغ هزار و ۱۵ میلیارد تومان فقط ۵ درصد را برای این امر اختصاص داده و مابقی آن را از کشور خارج کرده است. این پول‌ها در خارج از کشور خرج خرید خودروهای لوکس و خانه‌های لاکچری شده است! در ادامه پای اهالی سینما هم به پرونده امامی باز شد و نماینده دادستان اعلام کرد که اگرچه بخشی از پول به‌دروستی در سینما هزینه شده، اما بخشی از پول به حساب هنرمندان سینما رفته است. او همچنین از احتمال باز شدن پای آن‌ها به پرونده فساد هم سخن گفت و افزود: «آن‌ها اگر علم داشتند که پول کیفی است، متهم به پولشویی می‌شوند اما ما این علم را کشف نکردیم. هنرمندانی که از محمد امامی پول دریافت کرده‌اند، بدانند که این پول‌ها برای فرهنگیان است و اگر دغدغه هنر را دارند، آن را بازگردانند.» با این حال هنوز بسیاری قضاوت درباره جزئیات پرونده امامی کمی زود است و حالا که پای سلب‌ریتی‌ها و اهالی سینما هم می‌آید، پرونده امامی باز شده، احتمالاً باید منتظر پیچیده‌تر شدن ابعاد آن بمانیم.

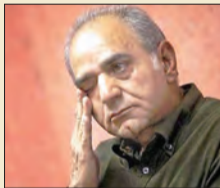
مجاز آباد

توفان توییتری



فعالان مجازی این بار با انتشار توییت‌هایی با هشتگ بین‌المللی #Arbaeen2020 در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه مصادف با اربعین حسینی(ع)، فضای مجازی را پر از ندای #لیبیک_یا حسین می‌کنند. همچنین امسال که شیوع ویروس کرونا مانع از برگزاری این مراسم شده کاربران فضای مجازی دلنوشته‌های اربعینی خود را در توییتر با هشتگ #زندگی_اربعینی منتشر می‌کنند. چند نمونه را بخوانید: «اربعین دقیقاً یعنی مانور ظهور، تا زمانی که تک‌تک ما به یقین نرسیم که اربعین راز ظهور هست، ظهوری رخ نخواهد داد... راهپیمایی اربعین یک دولت کریمه امام زمان در مقیاس بسیار ناچیز است... جا مانده‌ایم، حمله فرقه نیست، تربت بیاورید خاکی به سر کنیم.»

با تمام وجود



وضعیت نامناسب محمدرضا شجریان، خواننده مشهور موسیقی سنتی ایران که مدتی است در بیمارستان بستری و تحت مراقبت‌های ویژه است بسیاری از مردم و هنرمندان را نگران حال او کرده و همگی با هم برای بهبودی حال این هنرمند دست به دعا شده‌اند. پرویز پرستویی، هنرپیشه مشهور سینما و تلویزیون نیز با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود از مردم خواست حتماً برای محمدرضا شجریان دعا کنند: «هوموطن عزیز حال خسرو آواز ایران خوب نیست، با دل پاکتون، در هرجای این کره خاکی هستی، با تمام وجود نازنینتان برای بهبودی استاد دعا کنید.»

ویروس برگشت



بازگشت یکباره ترامپ به کاخ سفید آن هم پس از جنجال ای‌تلا به کرونا و سه روز بستری شدن، واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت. کانال تلگرامی «هوان مدیا» فیلمی از واکنش جیم آکاستا، خبرنگار سی‌ان‌ان در این باره منتشر کرد که گفته بود: «این ویروسه که به کاخ سفید برگشت.» امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل سیاسی هم در این باره در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «برای حضور در میان حمایتش در برابر بیمارستان، چندین نفر از جمله پرسنل بیمارستان، مأموران حفاظتی و راننده را در معرض ای‌تلا به ویروس کرونا قرار داد. این افراد حتی اگر هم مبتلا نشوند، باید حداقل دو هفته به قرنطینه بروند.»

دست‌های پشت پرده



ماجرای واردات خودرو دام و طیور و همچنین واردات دانه‌های روغنی و آنچه با امنیت غذایی مردم مرتبط است، اغلب در فضای مجازی داغ است. این بار سیدعزت‌الله ضرغامی، عضو شورای عالی فضای مجازی در خصوص امنیت غذایی در توییتر نوشته است: «ظرفیت کارخانه‌های روغن‌کشی ما ۶ میلیون تن و مصرف کشور در سال ۲۵ میلیون تن است. چه دست‌هایی در کار است که روغن و کنجاله آماده وارد شود و بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل و کارگران بیکار شوند؟ چرا سیاست حمایتی از کشت دانه‌های روغنی با هدف کاهش واردات آن در اولویت قرار نمی‌گیرد؟»

روزها و یادها

امروز تولد «سهراب سپهری» است

هنوز در سفر...

ادب و هنر: «هنوز در سفرم» که پریدخت سپهری، خواهر سهراب آن را منتشر کرده، مجموعه‌ای است از نامه‌ها و نوشته‌های این شاعر؛ در برخی از آن‌ها روایتی از یک دیدار و در برخی دیگر راز و رمز پشت یک شعر به چشم می‌خورد. در نود و دومین زادروز سهراب سپهری، برخی از دستنوشته‌های او در این کتاب را می‌خوانیم.

می‌دانم که پاسبان‌ها شاعر نیستند

سهراب سپهری در «صدای پای آب» می‌گوید: «پدرم وقتی مُرد پاسبان‌ها همه شاعر بودند!» او خود در نوشته‌های مرتبط با همین شعر چنین می‌نویسد: «وقتی که پدرم مرد، نوشتم: پاسبان‌ها همه شاعر بودند. حضور فاجعهٔ آنی دنیا را تلطیف کرده بود. فاجعه آن طرف سکه بود. وگرنه می‌دانستم و می‌دانم که پاسبان‌ها شاعر نیستند. در تاریکی آن‌قدر ماندم که از روشنی حرف بزئم. چیزی در ما نفی نمی‌گردد. دنیا در ما ذخیره می‌شسود و نگاه ما به فراخور این ذخیره است و از همه جای آن آب می‌خورد. وقتی که به این کنار بلند نگاه می‌کنم، حتی آگاهی من از سیستם هیدرولیکی یک هواپیمای در نگاهم جریان دارد. ولی نخواهید که این آگاهی خودش را عریان نشان دهد. دنیا در ما دچار استحاله مداوم است.» سهراب سپهری بیشتر بیشتر به عنوان شاعر شناخته می‌شد، اما اسال هاست که از او به عنوان یک هنرمند نقاش نیز تمجید می‌شود.وی در یکی از نوشته‌هایش در قیاس نقاشی با شعر چنین می‌نویسد: «نقاشی از آن کارهاست. پوست آدم را می‌کند. تازه طلیکال است. ولی نباید به نقاشی رو داد. چون سوار آدم می‌شود. من خیلی‌ها را دیده‌ام که به نقاشی سواری می‌دهند. باید کمی مسلح بود و بعد رفت دنبال نقاشی. گاه فکر می‌کنم شعر مهربان‌تر است، ولی نباید زیاد خوش خیال بود. من خیلی‌ها را شناختم که از دست شعر به پلیس شکایت کرده‌اند. باید مواظب بود. من شب‌ها شعر می‌خوانم و هنوز نوشتم‌ام. خواهم نوشت.»

مشفق دست مرا گرفت و به راه روشن کشید

مشفق کاشانی پیش از درگذشتش بارها از دوستی با سهراب سپهری گفته بود. عدای مشفق کاشانی را کشف‌کننده سهراب و معلم شعر او می‌دانند، چنان که سپهری خود نیز از این مسئله گفته‌است. او درباره آشنایی‌اش با مشفق کاشانی می‌نویسد: «۱۰ ساله بودم که نخستین شعرم را نوشتم. هنوز یک بیت آن را به یاد دارم: ز جمعه تا سه‌شنبه خفته نالان! آن‌کردم هیچ پادی از دبستان. اما تا ۱۸سالگی شعری نوشتمش. این را بگویم که من تا ۱۸سالگی کودک بودم. من، دیدر بزرگ شدم. دبستان را که تمام کردم، تابستان را در کارخانه رسیدگی کاشان کار گرفتم. ـاواخر دسامبر ۱۹۴۶ بود و من در اداره فرهنگ کار گرفتم. زد. شعرهای مشفق کاشانی را خوانده بودم و خودش را ندیده بودم. مشفق دست مرا گرفت و به راه نوشتن کشید. الفبای شاعری را او به من آموخت. غزل می‌ساختم و او سبستی و لغزش و لغز را بازمی‌گفت. خطای وزن را نشان می‌داد. اشارات او هوای مرا داشت. هر شب می‌نوشتم. انجمن ادبی درست کردم و شاعران شهر را گرد آوردم. غزل بود که می‌ساختیم، اما آنچه می‌گفتمش شعر نبود. دو دفتر از این گفته‌ها را سوزاندم. من فن شاعری می‌آموختم، اما هوای شاعرانه‌ای که به من می‌خورد، نشانه‌های غریب داشت. مرا به حضور تجربه‌های گذشته می‌برد.» سهراب سپهری، شاعر و نقاش متولد نیمه‌مهر ۱۳۰۷ بود. تاریخ تولد او از ۱۴ و ۱۵ مهرماه روایت کرده‌اند. وی در یکم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ در سن ۵۱سالگی درگذشت.

پشت‌ویتزین

معرفی دو کتاب در آستانه اربعین حسینی

پیاده روی با پای دل

ادب و هنر: در آستانه اربعین حسینی در «پشت ویتزین» امروز دو کتاب با حال و هوای این روزها که توسط نشر شهید کاظمی منتشر شده است، معرفی می‌کنیم.

«منکگیر» و روایتی از یک عمر زندگی حسینی

کتاب «منکگیر» که روایتی است نزدیک، جذّاب و بدیع از یک عمر زندگی امام حسین... این کتاب خاطرات حاج حسین بزرگ، سردسته هیئت خلف باغ یزد و بیرغلام حسینی است که به کوشش زهرا عوض‌بخش و محمّدعلی جعفری در ۱۲۴ صفحه، هم‌زمان با ایام محرم روانه بازار کتاب شده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «قای رحیمی چالووشی از شروع می‌کند. یای هر تیر ۱۵-۱۰ نفر آدم قوی‌هیکل بارپارنه ایستاده‌اند و دست را فست‌چسبیده‌اند. پهلوان‌ها روی مام با تمام قدرت طناب‌ها را گرفتند. با «یا حسین» چالووشی پوش از زمین کنده می‌شود و قلب‌ها از سینه، حسینی می‌لرزد. یا حسین! آن‌قدر حسین را می‌کشد تا همه دم بگیرند! حسین حسین حسین! مرده‌ها هم تیرک به دست و ذکر بر لب می‌گویند و دایرودار می‌دوند. تیرها توی دستشان تاب می‌خورند دور حسینی تا کم‌کم عمود شوند. پایشان محکم روی زمین و پوش میزان شود توی آسمان. پوش که بالا می‌کنیم صلوات می‌فرستیم و می‌نشینیم به آب و شیرینی خوردن...».

«از این ستون به آن ستون» یا زاویه‌دیدهای متعدد

کتاب «از این ستون به آن ستون» نوشته محمدرضا وحیدزاده، یکی از کتاب‌هایی است که خواندنش در این ایام خالی از لطف نیست. نویسنده این اثر زائر است که حاصل تجربه‌های تلخ و شیرین و غریب و آشنای خود را از چندین سفر پرپرکت پیاپدروی اربعین گردآورده و با نقل‌سنان در قالب خاطراتی پرحلاوت، آن‌ها را با مخاطبان خود سهیم شده است. مخاطب در این کتاب، ضمن موقعیت‌های مختلف و در خلال صحنه‌های گوناگون، همسفر

روی کتاب می‌شود و گام به گام با او، آنچه را در منازل مختلف این سفرها با نویسنده کتاب رفتند، به تماشا می‌نشینند. نکته جالب توجه در این اثر موقعیت‌های مختلف روی در این خردروایت‌هاست. او گاه در مقام خادم و گاهی در مقام میهمان، گاه در نقش مسئول کاروان و گاهی در موقعیت فعال فرهنگی، گاه به عنوان ناظر و گاهی در جایگاه موضوع روایت‌ها، حضور دارد و این گونه زاویه‌های دید، بر شیرینی این خاطرات برای مخاطبان اثر افزوده است. پیش از این چند عنوان از این خاطرات توانسته برگزیده سوزگوار ملی اربعین دانشگاهیان در استان ایلام شود.

ادب و هنر/ محبوبه ناطق ا مسلم ناصری، نویسنده، منتقد، سردبیر مجلات ماهک و ملیکا،

از ابتدا از همان روستای زادگاهش دل در گرو کارهای هنری و نویسندگی داشت و فیض بردن از علوم جوزوی تا مقطع خارج‌فقه و اصول و اخذ مدرک دکترا در رشته تاریخ، همه را در خدمت نوشتن برای کودکان گذاشت و نتیجه آن علاوه بر نمایش‌نامه‌نویسی، انتشار بیش از ۴۰ کتاب است که بیشتر آن‌ها جوایز مهمی کسب کرده‌اند.

بعضی از این آثار به زبان عربی و انگلیسی هم بی‌نشان، مجموعه «قصه‌های شیرین از زندگی معصومین(ع)»، «سردار تنها»، «سروها ایستاده می‌میرند»، «هم تا بم»، مجموعه ۷ جلدی «رواه زرنگ»، «فرشته‌های زمینی» و حالا سومین جلد رمان سه گانه سورنا که با عنوان «سورنا و حجاب مرگ» در زائر فانتزی- تخیلی به تازگی توسط نشر افق به بازار کتاب آمده است. جلد نخست این سه‌گانه «سورنا و جلیقه آتش» و جلد دوم «سورنا و تابوت ققنوس» پیش از این توسط نشر افق منتشر شده بودند و جلد سوم آن به تازگی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. داستان سه‌گانه «سورنا» درباره شاهزاده‌ای ایرانی به نام سورنا است که پدرش او را از خود رانده و این اتفاق موجب ماجراهایی می‌شود.

به انگیزه انتشار سه‌گانه «سورنا» با مسلم ناصری به گفت‌وگو نشستیم تا داستان‌هایش بگوید.

♦ ساختار سه‌گانه «سورنا» فانتزی است یا تاریخی و چه شد که خواستید در این فضا برای نوجوانان داستان بنویسید؟

زمانه من خلق دنیای جدیدی برای نوجوان است. من اگر ۲۰ سال پیش می‌نوشتم قطعاً از سورنا نمی‌نوشتم و موضوع داستاتم در مورد جبهه و جنگ بود.

این داستان درباره سردار معروف ایرانی نیست بلکه اسمش برگرفته از سورنا سردار اشکانی است که رومیان را شکست داد. این کتاب یک کتاب تاریخی نیست بلکه یک کتاب فانتزی است که دربرگیرنده سه ماجراجویی است که سورنا در نخستین سفرش برای شناخت خود، آغاز می‌کند. در کتاب دوم به سراغ پدرش و دیگران می‌رود و در سفر سوم سورنا به دنیایی که جدا از خودش و پدرش است و به پیرامونش تعلق دارد، بر می‌گردد. سورنا فقط پسرانستی از اسم یک شاهزاده ایرانی است، اگرچه در این کتاب هم سورنا یک جوان بزرگ‌زاده است.

♦ خواندن رمان‌های ادامه‌دار در حال حاضر چقدر مورد توجه مخاطب نوجوان است؟
بسیاری از خوانندگان امروزه از داستان کوتاه فاصله گرفته و به سمت رمان و رمان‌های چندگانه حرکت کرده‌اند. مخاطب دوست دارد. از درگیری‌های ذهنی اجتماعی- سیاسی و... فاصله بگیرد و مدتی طولانی‌تر از یک نشست مثلاً یک هفته، دوهفته یا یک ماه کتابی را بخواند. پس به سمت خواندن کارهای طولانی‌تر بیشتر گرایش دارد، چه مخاطب نوجوان و چه بزرگسال.

♦ خلاّنیود داستان‌های فانتزی و تخیلی در بین آثار ایرانی دیده می‌شود و نویسندگان به این ژانر بی‌توجه‌اند، به همین دلیل شما راغب بودید در این ژانر بنویسید؟
ژانر فانتزی نوشتن کمی سخت‌است، مگر کسی که

گفت‌وگو با مسلم ناصری، نویسنده پُرکار کودک و نوجوان به بهانه آخرین اثرش

سه‌گانه «سورنا» در خط پایان



پیشینه مطالعاتی عمیقی داشته باشد. من حدود

۱۰ سال افسانه‌های زادگاه خود را گردآوری کردم، تمام افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی را خواندم و روی آن‌ها مطالعه داشتم. من دکترای تاریخ دارم و با این گونه حوادث تاریخی آشنا هستم و از آن مهم‌تر علاقه شخصی من به این ژانر است. من به دو ژانر تاریخی و فانتزی علاقه‌مندم و این دو را در کنار هم پیش می‌برم. درست است آثار رئال خوب نوشته می‌شوند، اما جامعه به تخیل بیشتر نیاز دارد. آن‌قدر از واقعیت‌ها گفته شده که مردم چه مخاطب کودک و چه بزرگسال، خسته شده‌اند. به همین دلیل به داستان‌های خیالی علاقه دارم؛ داستان‌هایی عمیق که آن‌ها را به تفکر وادار نه صرفاًسرگرم‌کننده‌باشند.

♦ پس در نوشتن کتاب‌هایتان به رؤیاسازی توجه داشتید.

بله! ساختن جهانی تازه و دنیایی متفاوت برای هر نویسنده‌ای شیرین است. همه دوست دارند در ذهنشان دنیای جدیدی خلق کنند، جهانی که وجود ندارد. مثلاً در جلد دو این کتاب کل داستان نته‌ها در تاریکی بلکه برززمین اتفاق می‌افتد. ماجرای زنایی که تیراندازان ماهری هستند و از ترس مردانی که آن‌ها را به زنجیر می‌کشند ناچارند در دنیای تاریکی و زیر زمین زندگی کنند و منتظر یک منجی هستند تا آن‌ها را نجات دهد و بالا بیاورد و به دنیای پاک‌ی و روشنایی گام بگذارد.

♦ برای مخاطب ایرانی الگویی مانند «هری پاتر» در ژانر فانتزی نویسی وجود دارد.
چقدر به این کتاب‌ها توجه داشته‌اید یا نقاط

هستند

در حقیقت داستان‌های فانتزی اشتراکاتی دارند که همانا وفور تخیل است و اگر تخیل را از این آثار بگیریم، داستان پوچ می‌شود. اگر نویسنده در کنار این تخیل سرشار مبتنی بر منطقی داستانی، آیین دیگری مانند بودایی داشته باشد، اثر دیگری خلق می‌کند، چنانچه ممکن بود ناخودآگاه مشابهتی بین اثر من و اثری پیدا شود، در حالی که من آن اثر نخوانده‌ام.

شبهه چنین اتفاق‌هایی حتی در کتاب‌های قدیمی متعلق به دو جغرافیای مختلف دیده می‌شود. مثلاً افسانه‌ای در یونان شبیه افسانه‌ای در ژاپن است، در حالی که آن زمان مرادات و ارتباطات کنونی وجود نداشته است.

بله، انسان‌ها خردجمعی دارند، مثلاً بن‌مایه افسانه گیلگمش که میل به جاودانگی است را در افسانه‌های آمریکای لاتین هم می‌توان دید، چون انسان به جاودانگی علاقه دارد. به همین جهت در صدی از افسانه‌ها شبیه هم هستند.

♦ در این سه‌گانه به «سفر» و تأثیر آن بر رشد و آگاهی توجه داشته‌اید، در این مورد توضیح دهید.

هر سه داستان من با سفر شروع می‌شود. آدم باید از مکانی که در آن قرار دارد جدا بشود تا جهان دیگری را تجربه کند و به آگاهی برسد. ما در نگاه عرفانی و فلسفی‌مان هم همین را داریم. شاید تا حدودی به سیر و سلوک از شناخت خود تا شناخت جامعه توجه داشته‌ام تا مخاطب به چنین نیازی از شناخت خود، پیرامونش و جامعه‌اش برسد. در نخستین سفر، سورنا به توانایی خود

بی‌می‌برد، در سفر بعدی کمی عمیق‌تر می‌شود، سورنا برای نجات پدرش می‌رود، اما در این حین متوجه می‌شود توطئه‌ای در کار بوده و تصمیم می‌گیرد برای انتقام از پدرش برود و در این لحظه وارد دنیای تاریکی‌ها می‌شود، اما دنیای تاریکی موجب می‌شود درونش صیقل بخورد و سرانجام به شناخت دنیایی پشت آبشارها می‌رسد و آن شناخت به حقیقت محض تبدیل می‌شود. دنیای سوم هم حباب مرگی است که دیدگران آن را می‌سازند و او با توقف زمان مواجه می‌شود.

♦ شخصیت سورنا از ۱۲سالگی وارد داستان می‌شود و در جلد سوم به پختگی می‌رسد. چه مسائلی در این پختگی مورد توجه شما بود و آیا خواسته‌اید به نوعی الگوی رشد و تربیت را به خانواده‌های امروزی ارائه دهید؟
نه، من بیشتر به لذت و سرگرمی خواننده توجه داشتم، البته اگر چنین برداشتی داشته باشند، چه بهتر.

♦ شما بیش از ۴۰ جلد کتاب نوشته‌اید که موفقیت‌هایی را هم کسب کرده‌اند، این سه مجموعه را با کارهای پیشین چقدر متفاوت می‌دانید، تصمیمی برای ترجمه آن ندارید؟
من در دو ژانر متفاوت تاریخی و فانتزی می‌نویسم. البته در سبک رئال هم اثر داشتم‌ه و هر کدام مشخصه‌های خود را دارند؛ گاه تعلقات مذهبی‌ام در آن پررنگ است، اما در همه آن‌ها رگه‌هایی از جهان‌بینی من وجود دارد، ولی نمی‌توانم بگویم به کدام تعلق خاطر بیشتری دارم. برای ترجمه هم تصمیم‌گیرنده‌ناشر است.

♦ بچه‌ها در سن نوجوانی تخیلات بسیار قوی دارند، با توجه به اینکه شما سال‌ها سردبیری مجلات کودک کار داشته‌اید، اثری از نوجوانان دیده‌اید که از آن ایده بگیرید؟

بله، من حتی از بچه‌های خودم هم ایده می‌گیرم، آن‌ها سرشار از خلاقیت هستند و نگاه خاصی به جهان دارند و پرده‌منه و عمیق و ما متأسفانه مانند رهگذارانی به سرعت از کنار آن‌ها در حال گذریم، در حالی که اگر بااستیم و گوش فرا دهیم تازه متوجه زیبایی‌های می‌شویم. گذر ما با این عجله موجب می‌شود شناخت درستی از آن‌ها نداشته باشیم، در حالی که اگر پای صحبتشان بنشینیم می‌بینیم چه نگاه و دنیای عمیقی دارند و چقدر می‌توانند به نویسنده کمک کنند. متأسفانه در کشور ما ارتباط بین مخاطب و نویسنده کم است و این ضعف عمده نویسندگان ما به شمار می‌رود. نویسنده‌های ما با مخاطبشان کمتر در ارتباط هستند و از دنیایی می‌نویسند که بیشتر متعلق به خودشان است، نه برای شناخت جهان پیرامونشان.

♦ آخرین کلام...

دوران کرونا فرصت خوبی است تا مخاطب نوجوان بیشتر مطالعه کند و فراغتش را به خواندن کتاب چه فانتزی، چه تاریخی و چه واقعی، بگذراند. توصیه من این است هر چه بیشتر کتاب بخوانند، نوع نگرشان به جهان متفاوت می‌شود و در بزرگسالی آدم‌هایی با سعه‌صدر بالاتری می‌شوند. در این صورت جامعه بهتری خواهیم داشت.

هنرهای تجسمی

هنرمند تذهیبگر در گفت‌وگو با قدس:

هنر تذهیب به برکت قرآن تکامل پیدا کرد

تاجیکستان، آذربایجان و ترکمنستان و در کشورهای شمال‌آفریقا، هنر تذهیب وجود دارد. در کشورهای اروپایی هم هنر تزئینی‌ای وجود دارد که عنوان تذهیب را نمی‌شود بر آن گذاشت، اما در دست‌بندی هنرهای تزئینی با حال و هوای تذهیب جای می‌گیرد.

♦ تذهیب، هنر گرانی نیست!

محمدی در پاسخ به این پرسش که تذهیب هنر گرانی است، این هنر گران برای آراستن چه چیزهایی استفاده می‌شود، توضیح داد: تذهیب در دو شکل عمده کاربرد دارد، نخست در کنار خوشنویسی که همواره در نسخ خطی و مرقعات نفیس و قطعات خوشنویسی کاربرد داشته و دوم به صورت یک هنر مستقل و عاری از هر نوع نوشته و کلاسی، در حال حاضر هر دو شکل به خوبی و با کیفیت مناسب انجام می‌گیرد.

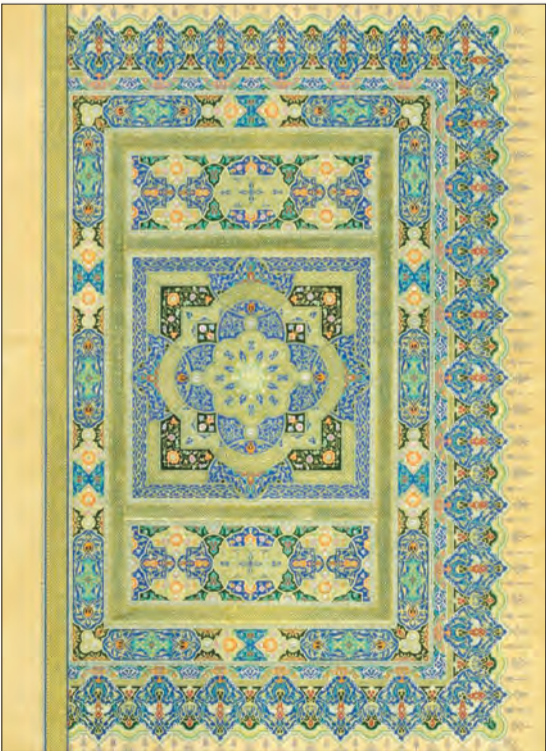
وی در ادامه در خصوص استقبال مردم از این هنر گفت: تذهیب یک جنبه هنری – کاربردی دارد که بیشتر در تذهیب آثار خوشنویسی بروز و ظهور دارد و یک جنبه صرفاً هنری که در آثار مستقل و بدون متن به اجرا درمی‌آید.

مخاطبان هنر تذهیب هم متفاوت‌اند. موزه‌ها و مجموعه‌داران مخاطب این هنر همواره بوده و هستند، اما استقبال عموم مردم از این هنر با استقبال از کاربرد آن در هنرهای دیگر، به شناخت از این هنر و البته شرایط اقتصادی اجتماع وابسته است، اما در مورد گران بودن تذهیب، متأسفانه با شما موافق نیستم. تذهیب به نسبت صرف زمان زیادانرژی، تکنیک و ابزاری که در آن استفاده می‌شود، هنر گرانی نیست.

محمدی در پاسخ به این پرسش که آیا بازار تذهیب و خرید این هنر در ایران بیشتر است یا خارج از کشور، گفت: خوشبختانه هنرمندان ایرانی همواره در تذهیب بین هنرمندان کشورهای دیگر حرف اول را زده‌اند و در آینده هم حتماً پیشرو هستند، اما در حال حاضر بازار این رشته در کشورهای دیگر به خصوص ترکیه و کشورهای عربی خیلی مناسب‌تر است.

♦ تغییرات هنر تذهیب در گذشت زمان

این هنرمند در خصوص تغییرات این هنر در طول تاریخ توضیح داد: تغییرات تذهیب در طول تاریخ بسیار زیاد است، به خصوص اگر بخواهیم با جزئیات و به صورت حرفه‌ای به آن بپردازیم، مستلزم زمان زیادی است. اما به برداختن به مکاتب تذهیب و تمسیران آن در اضافه کردن جنبه‌های هنری به قرآن و زیبا نگاشتن و آراستن کلام وحی، سراغ‌آوری بود برای رشد و تکامل هنرهای کتاب‌آرایی. این هنرمند ضمن اشاره به جایگاه هنر تذهیب در سایر کشورها، گفت: تذهیب ایرانی با هنر تذهیب کشورهای دیگر تفاوت‌هایی دارد. تذهیب در کشورهای عربی و ترکیه با ویژگی‌های نزدیک به تذهیب ایرانی انجام می‌شود. در کشورهای شرق ایران مثل هند، پاکستان، منطقه کشمیر، افغانستان و کشورهای شمال‌ایران مثل



منظم‌تر شده‌اند.

در دوران تیموری همین روند اما با کیفیت بهتر، دقیق‌تر و متنوع‌تر ادامه پیدا می‌کند و کم‌کم در اواخر دوران تیموری نقوش ختایی جایگاه بهتری پیدا می‌کنند و در دوران صفوی، کاربرد هندسه کم و تذهیب ظریف‌تر و تجملی‌تر می‌شود.

در دوران قاجار هم تذهیب کمی افت کیفیت پیدا می‌کند، اما ویژگی‌های منحصر به‌فردی دارد که آن را از مکاتب پیش و پس از خودش متمایز می‌کند.

محمدی در خصوص اصول تذهیب معاصر، توضیح داد: تذهیب معاصر بر پایه و اساس همان اصول طراحی سنتی و تذهیب قدام استوار است. تکنیک اجرای تذهیب در زمان ما بسیار خوب بود و چند سالی هم هست که اسباب انجام تذهیب بسیار خوب و حرفه‌ای انتخاب می‌شود. هنرمندان ما در حال حاضر با الهام از مکاتب مختلفی کار انجام می‌دهند. گرایش به سبک و سیاق و الهام از مکاتب ایلخانی، تیموری، صفوی و قاجار به خوبی در آثار دیده می‌شود، اما به نظر اندکی ضعف در طراحی به خصوص تناسب نقوش و بعضاً انحراف از اصول استفاده از رنگ مناسب دیده می‌شود که امیدوارم به زودی این نقص‌ها رفع شود.